



راهبردهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در راستای هویت و جوانان

مرضیه طاهری بیاتیانی^۱

حمید خادم مسجدی^۲

چکیده

هویت اجتماعی از مفاهیمی است که ارائه تعریف دقیقی از آن کار دشواری است. تنوع تعاریف موجود در این زمینه سبب ایجاد دیدگاههای متفاوتی می شود که درست یا نادرست بودن آن را نمی توان به وضوح تشخیص داد. بی گمان ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ را میتوان از جهات بسیاری بعنوان نقطه‌ی عطف مهمی در تاریخ ایران بویژه دوران پس از انقلاب دانست. امید ضد انقلاب به فروپاشی نظام در پس تحریم های ظالمانه‌ی امریکا و اعمال فشار حداکثری علیه ملت ایران جشن چهل سالگی انقلاب را از اهمیت دوچندانی برخوردار نمود. در این میان اما رویداد بی بدیل دیگر، انتشار بیانیه‌ی گام دوم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری بود که بعنوان نقشه راه بسیار مهمی برای دوران حساس و سرنوشت ساز گام دوم انقلاب منتشر می شد. از جمله نکات بسیار برجسته و پررنگ بیانیه، مخاطب قرار دادن مکرر جوانان و نیز یادآوری دوباره به مسئولان بجهت استفاده از این ظرفیت عظیم انسانی و سپردن مسئولیت‌های مهم و کلیدی به آنان است. اما مسئله و مشکلی که جامعه‌ی معاصر ما با آن مواجه شده است که در میان نسل جدید و به خصوص نوجوانان و جوانان، مسئله‌ی توجه به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و فراگیری و التزام به آن‌ها کمرنگ شده است و به نظر می رسد این نسل، درگیری کمتری با موضوع دین دارد و التزام و تعهدات نسل‌های پیشین را نسبت به موضوع دین ندارد. بیانیه "گام دوم انقلاب" خطاب به ملت ایران انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور "بیانیه‌ی گام دوم انقلاب" و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور "جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ" ارائه فرموده‌اند. بیانیه‌ی "گام دوم انقلاب" تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای "دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی" خواهد بود و "فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی" را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت است نزدیک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان، جامعه اسلامی.

۱. کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی. مدیر دبیرستان بزرگسالان باب الحوائج

۲. دکترای تکنولوژی آموزشی. فرهنگی. مدرس دانشگاه فرهنگیان و پیام نور. Khademmasjedi_55@yahoo.com

۱. مقدمه

ضرورت بیان توصیه ها به خصوص به جوانان در عرصه های بیان شده را می توان به تفکیک در ذیل بیان نمود و در ادامه به ضرورت توجه به علم و پژوهش پرداخته می گردد، چراکه با توجه به تجربه مسلمانان مهمترین عامل در جهت شکوفایی تمدن اسلامی، توجه بسیار آنها به علم و دانش می باشد. حوزه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، سبک زندگی

رهبر انقلاب در بیانیه می فرماید: برای برداشتن گام های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه های قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همپی ابزارها برای آن بهره می گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید. لذا در این بخش جایگاه علم و دانش در تمدن اسلامی و سپس تأثیر آن بر جهان غرب مورد بحث قرار می گیرد تا بتواند رهگشای دوباره جهت حرکت مسلمانان معاصر به سمت تمدن نوین اسلامی که مقام معظم رهبری مد ظله العالی در این بیانیه بر آن تأکید دارند، بشود.

مجموعه تلاش های صوت گرفته برای فهم دین که مفتوح به شبکه ای از اعتقادات، باورها، خواسته ها، گرایش های، هنجارها و ارزش شده فرهنگ دینی نامیده می شود. بی شک علوم مختلفی که برای فهم دین با مراجعه و بهره گیری از منابع اسلامی (قرآن و سنت) پدید آمده و هر یک از منظری خاص به دین نگر بسته و جلوه های از آن را نمایانده و فرقه ها و مذاهب گوناگونی را در پی خود ایجاد کرده اند هیچ یک تمام حقیقت دین نبوده و مجموعه ای از نظرات درست و نادرست را باهم عرضه می کنند و جزی از فرهنگ اسلامی می آیند (طالبی، ۱۳۹۵). گرچه دین فرهنگ ساز است و منبعی برای توحید فرهنگ به شمار می آید ولی به جرئت می توان ادعا کرد علی رغم نفوذ دین در تمام زوایای نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی، همه فرهنگ ما منبعث از دین نبوده و حداقل سه لایه تودرتو که نظام فرهنگی جامعه ما را سامان می دهد قابل شناسایی و احیاناً تفکیک است (راثی، ۱۳۹۱). علاوه بر عناصری که به لحاظ ایرانی بودن در ساختار نظام فرهنگی جامعه تثبیت شده، عناصری از فرهنگ غربی با توجه به اصل هم جواری و تبادل فرهنگ ها به جامعه ها رسوخ پیدا کرده و بخشی از فرهنگ عمومی را ساخته است. این سه فرهنگ از یکدیگر تأثیر پذیری داشته و در یک کنش متقابل و نهائاً سازگاری شدن با یکدیگر، نظام فرهنگی جامعه ما را قوام و سامان بخشیده اند. شرایط زمان و نیازهای انسانی و سوالات نو شونده آدمی که در هر دوره آن فرا روی جامعه بشری قرار می گیرد.

انقلاب اسلامی ایران با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب های بسیار، به مرحله ای از تکامل رسیده است که امروزه در معادلات جهانی به عنوان یک قطب تعیین کننده، ایفای نقش می کند. این جایگاه رفیع در حالی به دست آمده است که جهان در حال گذر از یک پیچ بزرگ تاریخی است و انقلاب اسلامی برای نقش آفرینی بیشتر در آینده بشریت، با شرایط حساس و سرنوشت سازی روبه رو است. در چنین شرایطی باید دکتترین و رهنامه جامعی تدوین شود تا چارچوب فکری و عملیاتی برای طی طریق در این مسیر پرتلاطم و دستیابی به قله پیشرفت مبتنی بر الگوی ایرانی - اسلامی برای تمامی ارکان جامعه فراهم شود. بر اساس چنین ضرورتی، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر حکیم انقلاب اسلامی، منشور و رهنامه ای با عنوان بیانیه گام دوم انقلاب تدوین و ابلاغ کرده اند که ضمن ترسیم چشم انداز، راهبردهای تحقق آن را با استفاده از نظریه انقلابی که حاصل تجربه اندوزی از عمر چهل ساله انقلاب اسلامی است، تبیین کرده اند.

بیانیه گام دوم انقلاب، رهنامه ای است که با روایت تاریخی انقلاب آغاز می شود و در آینده ای امیدبخش امتداد می یابد. در بخش آغازین بیانیه، به تاریخ نگاری دقیق و واقع بینانه انقلاب اسلامی به صورت موجز و عالمانه پرداخته می شود و سیر تکامل انقلاب و هم چنین بستر محیط داخلی و خارجی آن در قالب واژگان و گزاره های پر معنا و جامع به تصویر در می آید. چرخه حیات انقلاب اسلامی تا چهل سالگی که در بیانیه مذکور از آن به عنوان گام اول انقلاب اسلامی یاد شده است، با فاز صفر آغاز می شود و پس از

گذراندن دوران اولیه و مرحله پیشرفت سریع، به دوره بلوغ که همانا چهل سالگی انقلاب اسلامی است، ختم می‌گردد. در این سیر تاریخ، ویژگی‌هایی برای هر مرحله از حیات طیبیه انقلاب اسلامی ذکر شده است که آن را از مرحله دیگر متمایز می‌سازد. در بخش دیگری از این منشور، شعارهای محوری انقلاب اسلامی به همراه مشخصه‌های مربوط به آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است. برکات انقلاب اسلامی، سبک مدیریت غالب و راهبردهای اصلی انقلاب اسلامی، از جمله دیگر موضوعات کلیدی است که برای مسیر طی شده انقلاب اسلامی تا مرحله بلوغ مورد توجه قرار گرفته است. در این رهنامه هم چنین با عنایت به تجربه چهل ساله، نظریه نظام انقلابی به همراه مفروضات مربوط به آن، مفهوم پردازی شده است. در ادامه بیانیه، به هفت سرفصل مهم پرداخته شده که گام دوم انقلاب اسلامی باید برای طی مسیر در آینده، آن‌ها را سرلوحه اقدامات خود قرار دهد تا چشم انداز نهایی که همانا خودسازی، جامعه پردازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی به منظور زمینه‌سازی برای ظهور ولایت عظمی فراهم گردد. برای تحقق این چشم انداز مطلوب، تجربه آموزی از گذشته و بهره برداری از ظرفیت‌های استفاده نشده، از جمله مقولات محوری که باید در دستور کار قرار گیرند. منظومه فکری رهبر حکیم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب را می‌توان در قالب الگوی ذیل ترسیم کرد. در این منظومه، مولفه‌های گام اول و دوم انقلاب به تفکیک بیان گردیده است و عناصر هر یک از آن‌ها نیز در ادامه به صورت فهرست‌وار تشریح شده است.

هویت بنا به تعاریف رایج در ادبیات علمی، دارای ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است، هر چند در جامعه، غالب افراد بیشتر به بعد جسمانی آن پرداخته و هویت را مترادف با آن شناسایی می‌کنند و در نتیجه، هنگامی که صحبت از رفتارهای بهداشتی برای حفظ یا ارتقای هویت می‌شود، از جمله مصادیق آن که بیشتر در اذهان عمومی تداعی می‌شود، می‌توان به توصیه‌های رایج در خصوص ضرورت فعالیتهای ورزشی و بدنی، اهمیت تغذیه سالم و لزوم پرهیز از سوءرفتارهای بهداشتی، ضرورت معاینات منظم و مراقبت‌های پزشکی اشاره کرد که مردم با آنها بیشتر آشنا هستند. لیکن واقعیت آن است که هویت افزون بر بعد جسمانی آن، ابعاد دیگری را نیز در بر می‌گیرد. در واقع، هویت حاصل شرایط و کیفیت زندگی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی است و با ثبات اقتصادی، محیط و شرایط حوزه همسایگی و مسکن، مراقبت‌های بهداشتی، بافت و بستر اجتماعی و فرهنگی و سطوح آموزش و آگاهی پیوند نزدیک دارد.

از جمله ابعاد مهم هویت، هویت اجتماعی می‌باشد. هویت اجتماعی یک مفهوم نسبی محسوب میشود و از این روست که انتخاب یک استاندارد مناسب را با چالش مواجه می‌سازد و اگر از یک رویکرد جامعه شناختی بدان توجه شود، می‌تواند نشانگر کارآمدی یا ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی شناخته شود. هویت اجتماعی را می‌توان بر حسب سازگاری اجتماعی از مفاهیم جامعه شناختی و روان شناختی مشتق کرد. سازگاری به طور ذهنی یا در مقایسه با انتظارات اجتماعی نرمال قابل ارزیابی است و هویت اجتماعی را میتوان به جامعه پذیری مطلوب فرد در جامعه مرتبط دانست.

هویت اجتماعی به مثابه جامعه سالم مورد توجه قرار گرفته است که در آن شاخص‌های رفتاری، نهادی و حکومتی متداخل در یکدیگر هستند و بازتابی از حقوق متقابل فرد و اجتماع خواهد بود. هنگامی که به فهرست موضوعات اجتماعی نگاه شود مواد مخدر، خودکشی، مالیات، رسانه، جمعیت، حقوق بشر، حملات علیه مسلمانان و مواردی از این قبیل، دشواری تعریف شاخص‌ها بیشتر درک خواهد شد. اختلاف نظر در مورد اینکه انسان اساساً موجودی خودخواه هست یا نیست، دامنه محدودیت برای او را مشخص می‌کند. این مفهوم بلافاصله به موضوع اخلاق به معنای درونی شدن ارزش‌های حافظ منافع جامعه بر می‌گردد.

هر جامعه‌ای اگر بخواهد در مسیر پیشرفت، توسعه و گسترش مردم‌سالاری حرکت کند، جوانان نقشی پررنگ خواهند داشت و دارند؟ همچنین باید به نقش جوانان در انقلاب اسلامی توجه کنیم، اگر ما به این دو مطلب توجه کنیم، می‌توانیم به ضرورت و اهمیت مفهوم جوانان در بیانیه گام دوم پی ببریم. اگر به عقب‌تر برگردیم باید بگوییم هر جامعه‌ای نیازمند یک موتور محرکه است، به هر حال جامعه از گروه‌های مختلف سنی و اشتغالی شکل گرفته است، در این وضعیت که یک جامعه متکثر داریم، بخشی از

جامعه به عنوان یک موتور محرکه است، یعنی قسمتی که وظایف جامعه را به دوش می کشد که منجر به آن می شود در جامعه حرکت به سمت توسعه شکل گیرد و مردم سالاری نهادینه شود و امورات جامعه انجام شود.

مسلم قشر فرتوت و پا به سن گذاشته ی جامعه، موتور محرکه مطلوبی در تراز انقلاب اسلامی نیست، البته که این افراد به عنوان نقطه قوت تعقل و تجربه یک جامعه عمل می کنند؛ اما آنچه در سازندگی و پویندگی مورد نیاز است، جوانان آن جامعه هستند؛ یعنی جوانان هستند که برنامه های توسعه را پیش می برند و برنامه های مردم سالاری و احزاب را شکل می دهند که اهمیت بسیاری دارد. از طرفی با نگاهی به جوامع غربی در می یابیم با افزایش کهن سالی روبه رو هستند و این باعث شده دولت ها به سمت جذب مهاجران پیش روند. به عبارتی جوامع غربی به واسطه اینکه با افول سنی جوان مواجه است، به سمت جذب مهاجران پیش رفتند. زیرا نسل جوان نیروی محرک سیاست، فرهنگ و هنر است. جامعه ایران اما یک جامعه جوان است، هر چند جامعه ایران نیز به سمت کهن سالی و فرتوت شدن پیش می رود (خامنه ای، ۱۳۹۷).

در بهمن ۵۷ با پشتوانه جوانان به پیروزی رسید. گهواره نشینانی که بارقه های امید بنیانگذار کبیر انقلاب را در سال ۴۲ همزمان با تبعید حضرت امام (ره) رفته رفته روشنی بخشیدند و در بهمن ۵۷ به گل نشستند و در ادامه با خون خود گلبرگ های انقلاب نوپای ایران را آبیاری کردند. جوانان در عرضه های مختلف و در راستای فهم و اشاعه آرمان های والای اسلام و انقلاب همواره خط مقدم استضعاف در مقابل استکبار بوده اند. در هشت سال دفاع مقدس، این جوانان بودند که راهبری استراتژیک جنگ را متحمل شدند. در عرصه سازندگی و بعدها در برهه های حساس سیاسی و اجتماعی، قشر جوانان همواره خوش درخشیده است.

امروز در آستانه سیر نوین انقلاب و ورود به دهه پنجم این جوان بالغ، باز بار سنگین و البته حیاتی راهبری انقلاب بر دوش جوانان گذارده شده. این مهم در تأکید رهبری نسبت به جامعه جوان همزمان با انتشار بیانیه گام دوم ظهور و بروز می یابد آنجا که تأکید می شود جوانانی بایستی برنامه های توسعه محور را پیش برده و مردم سالاری و احزاب را شکل دهند.

لذا در این تحقیق محقق قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که تأثیر جوانگرایی در پیشبرد و تحقق جامعه اسلامی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب چگونه ارزیابی می شود؟

هویت اجتماعی از مفاهیمی است که ارائه تعریف دقیقی از آن کار دشواری است. تنوع تعاریف موجود در این زمینه سبب ایجاد دیدگاه های متفاوتی می شود که درست یا نادرست بودن آن را نمی توان به وضوح تشخیص داد. هویت اجتماعی یک مفهوم نسبی محسوب میشود و از این روست که انتخاب یک استاندارد مناسب را با چالش مواجه می سازد و اگر از یک رویکرد جامعه شناختی بدان توجه شود، می تواند نشانگر کارآمدی یا ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی شناخته شود. هویت اجتماعی را میتوان بر حسب سازگاری اجتماعی از مفاهیم جامعه شناختی و روانشناختی مشتق کرد. سازگاری به طور ذهنی یا در مقایسه با انتظارات اجتماعی ترمال قابل ارزیابی است و هویت اجتماعی را می توان به جامعه پذیری مطلوب فرد در جامعه مرتبط دانست. سازمان جهانی بهداشت، هویت اجتماعی را در سطح فردی و سه بعد در ارتباط با سایر افراد جامعه و نهادهای اجتماعی در نظر گرفته است که عبارتند از: ارتباطات و تعاملات اجتماعی، سازگاری فردی، اجتماعی و نیز ایفای نقش اجتماعی.

هویت موضوعی مطرح در همه ی فرهنگ هاست و تعریف آن در هر جامعه ای تا اندازه ای به حس مشترک مردمان از هویت و فرهنگ آنها باز می گردد؛ ولی معمولاً هر گاه از آن سخنی به میان آمده است بیشتر بعد جسمانی آن مورد توجه بوده، در حالی که رشد و تعالی جامعه در گرو تندرستی آن جامعه از ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است.

با توجه به اینکه امروزه بخش عظیمی از اشکال بیماری (اعم از روانی و جسمانی) در کشورهای در حال توسعه در ارتباط شدید با عوامل و مدل های اجتماعی است، اثرات این عوامل در دراز مدت کارایی خود را نشان می دهند. مشکلاتی چون فقر، شکست در تحصیلات، زندگی در محیط فیزیکی نامناسب و سطح بالای عدم امنیت در جامعه (مثل خشونت ها و تصادفات و عواملی چون حوادث منفی زندگی از جمله جدایی از والدین، از دست دادن کار و یا مهاجرت اجباری از عوامل اجتماعی هستند که تأثیرات زیادی

بر هویت روانی افراد می گذارند و در نتیجه ی کاهش هویت روانی افراد جامعه کارایی آنان نیز کاهش پیدا می کند و در نتیجه نه تنها فرد بلکه جامعه را با مشکلات اساسی روبرو می سازد. زمانی که افراد یک جامعه هویت اجتماعی مناسبی نداشته باشند کارایی و اثربخشی لازم را نیز ندارند و یکی از اصلی ترین عوامل توسعه ی جامعه یعنی نیروی انسانی کارا و مؤثر جامعه با کمبود جدی مواجه می شود.

۲. هویت و جوانان

جوانان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت، پویایی، نشاط و نوآوری در تمام عرصه ها هستند. آنان با خطرپذیری، روحیه تلاشگری و پرسشگری پیش می روند و به دنبال یافتن راه های جدید و به کارگیری اندیشه های نو می باشند. مروری بر تاریخ سیاسی، علمی، فرهنگی، نظامی، دفاعی و اقتصادی کشورها، به ویژه کشور عزیزمان، این ادعا را ثابت می کند. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه اند. اگر حرکت سازندگی یا فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگران هستند و دست آنان کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انببای الهی نیز، به ویژه حرکت صدر اسلام، جوانان محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک بودند، و همه اینها نیست جز به دلیل برخورداری جوانان از سه ویژگی مهم: یعنی انرژی، امید و ابتکار. از این رو می توان گفت که جوانان در عرصه های مدیریتی نیز خوش می درخشند. به کارگیری جوانان مؤمن و بصیر و استفاده از ظرفیت های آنان در زمینه های گوناگون، حتی می تواند در رویارویی با تحریم های گوناگون نیز راهگشای بسیاری از مسبرهای مسدود باشد؛ زیرا جوانان با شجاعت و نترسیدن از شکست ها و ناکامی ها، پیش می روند و به دل موج های سختی ها می زنند. جوان گرایی مانند تزریق خون تازه به شریان های مدیریتی کشور است. به کارگیری جوانان می تواند هم منشأ خیر باشد، هم سیر تکاملی مدیریتی و پیشرفت را کامل کند و هم براساس استانداردهای دنیا پیش رود. در کل باید گفت جوان گرایی ضروری است که می تواند انرژی و پویایی را در زمینه های گوناگون ایجاد کند. پس باید به جوانان، این سرمایه های گران قدر، اعتماد کرد» (طاهری، ۱۳۹۷: ۴).

۳. گام اول انقلاب

در این منظومه فکری، تکیه بر جوانان و سپردن مسئولیت ها به آن ها در سایه تجربه آموزی از گذشته به عنوان مقوله محوری از اهمیت ویژه ای برخوردار است لذا قبل از پرداختن به افق آینده، درس آموزی از گذشته مورد تاکید قرار گرفته است. بر همین اساس تبیین واقع گرانه مسیر طی شده و مولفه هایی که در آن ایفای نقش کرده اند در قالب گام اول انقلاب مطرح شده است که برای رعایت اختصار به صورت فهرستوار به آن ها پرداخته شده است.

۳.۱. ویژگی های گام اول انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی سال ها قبل، فرایند تکامل انقلاب اسلامی و تمدن سازی نوین اسلامی را این گونه تشریح نموده اند: «بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین المللی اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم، باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. بر این مبنا می توان فرایند تکاملی انقلاب اسلامی را این گونه ترسیم نمود: البته در بیانیه مذکور، گام اول انقلاب اسلامی شامل فاز صفر، دوران اولیه، دوره در مسیر پیشرفت سریع و دوره بلوغ است که تقریباً در برگیرنده نیمی از عناصر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی است. برای بررسی ویژگی های گام اول انقلاب، این گام در قالب دو مرحله (مراحل اولیه و بلوغ) خلاصه شده است.

ویژگی های مراحل اولیه انقلاب اسلامی عبارت است از:

۱- هدایت الهی و رهبری امام خمینی (ره)

۲- فقدان تجربه پیشین

- ۳- عقب ماندگی در تمام فضائل
- ۴- دشمنی همه جانبه با انقلاب
- ۵- تبدیل سلطنت استبدادی به حکومت مردم سالاری
- ۶- میدان داری جوانان در عرصه مدیریت
- ۷- ایجاد دنیای سه قطبی به جای دو قطبی
- ۸- مطرح کردن دین و دنیا در کنار هم
- ویژگی های مرحله بلوغ انقلاب اسلامی عبارت است از:
 - ۱- قدرتمندی توأم با مهربانی و گذشت
 - ۲- دوری از افراط گرایی، انفعال و مردد بودن
 - ۳- ایستادگی در مقابل زورگویان و دفاع از مظلومان
 - ۴- همگانی شدن باور ما می توانیم
 - ۵- اتکا به توانایی داخلی با تحریم دشمنان
 - ۶- ورود عنصر اراده ملی به مدیریت کشور
 - ۷- عدم شروع دشمنی ولی فرود آوردن محکم ضربت متقابل

۴. گام دوم انقلاب

در بیانیه گام دوم انقلاب به هفت سرفصل مهم در راستای چشم انداز انقلاب اسلامی در افق های چند ساله اشاره شده است. برای تحقق چشم انداز انقلاب، اولین اقدام قبل از هر چیز، تجربه آموزی از گذشته است. فراز ابتدایی این رهنامه اصولا دارای رویکرد تجربه نگاری است و تلاش گردیده با رعایت گزیده گویی، نقاط عطف انقلاب اسلامی به صورت واقع بینانه روایت شود. لذا برای حرکت در آینده، شناخت گذشته ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بعد از درس آموزی از گذشته باید به سراغ شناخت ظرفیت های استفاده نشده و بهره برداری از آن رفت تا امکان خودسازی، جامعه پردازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی میسر گردد و از آن طریق برای ظهور ولایت عظمی (عج) زمینه سازی شود. این امر میسر نمی شود مگر از طریق مجموعه ای از اقدامات که به عنوان راهبردهای گام دوم انقلاب در قالب هفت فصل که در منظومه فکری بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره شده است.

۵. علم و پژوهش

رهبر معظم انقلاب در این بیانیه موکدا به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می ورزند و راه طی شده در زمینه علم و پژوهش را، با همه اهمیتش فقط یک آغاز تلقی می کنند و معتقدند ما هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقب هستیم و باید به قله ها دست یابیم. در راهبرد علم و پژوهش سه محور اصلی در رهنامه وجود دارد که عبارت است از:

- ۱- علم و پژوهش به عنوان آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور
- ۲- علم و پژوهش به عنوان منبع ثروت و قدرت
- ۳- ضرورت جهاد علمی برای عبور از مرزهای کنونی دانش

۶. معنویت و اخلاق

در این بیانیه، معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه تعریف شده است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. بر اساس رهنامه مذکور، معنویت و اخلاق باید جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی باشد. لذا این سرفصل مهم پیشرفت باید از طرق ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱- برجسته‌سازی ارزش‌های معنوی

۲- رعایت فضیلت‌های اخلاقی

۳- جهت‌دهنده بودن معنویت و اخلاق در همه امور

۴- عامل بودن حکومت به رفتارهای اخلاقی و معنوی و ترویج آن

۵- ستیزهای معقولانه با کانون‌های ضد معنویت و ابزارهای رسانه‌ای آن‌ها

در اندیشه مقام معظم رهبری روح تمدن سبک زندگی است و در سبک زندگی اسلامی، معنویت و اخلاق توأمان و در کنار یکدیگر نقش اصلی را ایفا می‌کنند، و در همه حیطه‌های زندگی فردی و اجتماعی تأثیر گذار هستند. «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آنها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی بهشت می‌سازد و نبود آنها حتی با برخورداری مادی جهنم می‌آفریند. بنابر این شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است؛ و اخلاق به معنی رعایت فضیلت-هایی چون: خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو می-باشد.» (همان). در جایی دیگر معنویت را در غالب مصادیقی بیان می‌کنند و می‌فرمایند: معنویت یعنی اینکه کسی اهل اخلاص باشد، کار را برای خدا انجام بدهد، به خدا توکل کند، از او استمداد و یاری بطلبد، و به این عقیده داشته باشد، که عالم محضر خدا است، و ما همواره در محضر خدا هستیم. بیانات در مراسم سالگرد امام خمینی ره،

۱۳۹۰/۰۳/۱۴. از نظر ایشان اخلاق در راستای معنویت است، و چیزی جدای آن نیست، از اینرو می‌فرمایند: «از طرفی بخش مهمی از معنویت در اسلام اخلاق است که شامل، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر، دچار غرور نشدن خود را برتر از دیگران ندانستن می‌باشد. (همان).

ایشان بر این باور هستند که، معنویت و اخلاق با دستور العمل و قدرت قاهره حاصل نمی‌شود، از اینرو ضمن اینکه باید آحاد جامعه تلاش کنند، کارگزاران نظام نیز باید تمهیداتی را فراهم کنند. «لولا از خود کارگزاران باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند. ثانیاً: زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند، و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. ثالثاً: با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول مبارزه کنند، (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). در پایان همین بخش یادآوری می‌کنند، که وظایف کارگزاران نظام به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست» (همان) از نظر مقام معظم رهبری انسان باید در حوزه بینش و رفتار (سلوک) را مبنای تحول معنوی خویش قرار بدهد، تا تفاوت انسان معنوی با غیر معنوی معلوم شود.

۷. بینش معنوی

انسان باید قبل از عمل به ایجاد بینش معنوی همت گمارد و در گامهای بعدی آن را با عمل تقویت و تثبیت نماید، بینش معنوی بر سه پایه توحید، خردورزی و مسئولیت پذیری استوار است.

۱- توحید محوری

توحید اساس و رکن نخستین بینش معنوی انسان است، و انسان باید بینش خودش را پیرامون آن قرار بدهد. «توحید مبنای زندگی معنوی است، و اعتقاد به وحدانیت خداوند باید به قاعده زندگی تبدیل شود» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸: بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب ۲۹/۱۰۹/۶۸). «معنا و روح توحید عبارت است، از اینکه انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه بندگی نساید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: بیانات در دیدار کارگران نظام، ۱۰/۱۰/۷۳). از منظر ایشان اگر توحید اساس حرکت معنوی انسان قرار بگیرد، فضائل اخلاقی در وجود او ریشه دار و محکم خواهند شد. «نگرش توحیدی» اگر زیربنای حرکت معنوی انسان قرار گیرد،

ضامن تداوم فضائل اخلاقی در افراد گردیده و به تداوم معارف انبیاء که همان کلمه توحید است، منتهی خواهد شد.» (خامنه ای، ۱۳۷۴: بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۰۵/۱۰/۷۴). «توحیدمحوری در دل انسان ها بیش امید را متولد می کند، و نشاط آور، تلاش آفرین و حرکت بخش است» (خامنه ای، ۱۳۷۴: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۷ / ۱۰ / ۷۴).

۸. سبک زندگی

در این بیانیه مبحث سبک زندگی به عنوان یکی از سرفصل های هفتگانه برای گام دوم انقلاب برشمرده شده ولی به صورت مختصر به آن پرداخته گردیده و تبیین آن به مجال دیگری احاله شده است. سبک زندگی از جمله موضوعات کلیدی است که رهبر حکیم انقلاب در مناسبت های مختلف به تبیین آن پرداخته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در مهر ماه ۱۳۹۱ در جمع مردم خراسا شمالی بیاناتی داشتند که در سخن سردبیر یکی از شماره های نشریه مدیریت اسلامی به تفصیل در مورد آن بحث و بررسی صورت گرفته است. در مجموع، بیانیه گام دوم به دو نکته اساسی در این زمینه اشاره می کند که عبارت است از:

۱- زیان های جبارن ناپذیر سبک زندگی غربی

۲- ضرورت مدیریت جهادی همه جانبه و هوشمند برای مقابله با سبک زندگی غربی

با عنایت به اهمیت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و ضرورت تبیین آن توسط متخصصین دانشگاهی، تحلیلگران و دست اندرکاران مدیریت اجرایی کشور، نشریه مدیریت اسلامی آمادگی دارد تا مقالات تحلیلی و پژوهشی مرتبط با مولفه های منظومه فکری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را با اولویت بالا در دستور کار داوری و چاپ قرار دهد.

خانواده اولین واحد اجتماعی و یکی از بنیادی ترین نهادی است که در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. یکی از مسائل اساسی در خانواده، توزیع ساختار قدرت است. در طول تاریخ، قدرت در خانواده گاه به مرد و گاهی به زن تفویض شده و پدر سری و مادر سری شکل گرفته است (پورتز، ۱۹۹۸). در گذر زمان، پدر یا مادر نقش های متنوعی یافته اند و به تبع آن، قدرتی عظیم را از آن خویش ساختند. اما تفاوت در این بوده که خانواده مادر سری شیوع کمتری داشته است (امینی، ۱۳۹۵). در تحقیقات مردم شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی که در ابعاد و زوایای مختلف دین صورت گرفته است، محققان به بررسی اینکه چه عواملی باعث می شود حالت های مختلف دین داری و گرایش های به دین در افراد خصوصاً در دوره جوانی به وجود آید، پرداخته اند (هیلتین و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۳۰۱). مروری بر مطالب منتشر شده در خصوص عوامل مؤثر بر گرایش دینی جوانان نشان می دهد که مجموعاً پنج عامل (خانواده، مدرسه، دوستان، رسانه و محیط اجتماعی) به عنوان عوامل تعیین کننده این نوع گرایش ها در نظر گرفته شده اند (طالبان، ۱۳۹۰: ۴۸۳).

جامعه ای ما از دیرباز با دین، انس و الفت داشته و باورهای دینی، نقطه ای عطفی در به پا خیزی و شکل بندی های اجتماعی در گذشته و حال بوده اند. بسیاری از حوادث و تحولات اجتماعی در ایران مانند انقلاب مشروطه، قیام ها و جنبش ها و از همه مهم تر انقلاب اسلامی ایران، بر پایه ای ارزش های دینی قرار دارد. در چنین جامعه ای، نقش انتقال آموزه ها و فرهنگ دینی به نسل های بعد، اهمیت به سزایی دارد؛ چراکه دین و باورهای دینی در بیشتر تحولات اجتماعی جامعه تأثیر گذار خواهد بود (کاظمی پور، ۱۳۸۹: ۵۷). یکی از اصلی ترین داعیه های انقلاب اسلامی در ایجاد حکومت دینی تربیت انسان الهی است. امام خمینی (ره) نیز به عنوان ایدئولوگ و بنیان گذار این انقلاب در هنگام حیات خود به دفعات این نکته را متذکر شده اند: «تمام کوشش انبیاء برای این بوده است که انسان را بسازند تعدیل کنند و انسان طبیعی را مبدل کنند به یک انسان الهی» (خمینی، صحیفه نور، ۶۲). در بسیاری از بیانات امام تأکید ایشان بر تربیت دینی در خانواده ها نیز به وضوح قابل درک است، امام در این زمینه می فرماید: «مواظب باشید که اعمالتان اعمال صالح باشد قیامتان برای خدا باشد اعمالتان برای خدا باشد هر کدام بچه دارید تربیت کنید، تربیت الهی بکنید تربیت شیطانی نکنید» (کاظمی پور، ۱۳۸۹).

همان‌گونه که بیان شد در قرن حاضر در خصوص تعلیم و تربیت و نقش خانواده در این امر در مناسبت‌های مختلف مطالب ارزشمندی را مطرح کرده‌اند (ملکی، ۱۳۹۳) علاوه بر این مطالعات انجام‌شده در حوزه دین نیز نشان داده است که خانواده، نخستین مرکز تعلیم و تربیت می‌باشد. در میان اعضای خانواده، پدر و مادر به دلیل ایفای نقش تربیتی، اهمیت زیادی در ایجاد گرایش‌های مختلف فرزندان دارند، حال اگر پدر و مادر دغدغه دینی داشته باشند به تربیت دینی فرزند خود نیز توجه نشان داده و تربیت دینی جایگاه خاصی را در نوع و سبک تربیتی آن‌ها پیدا می‌کند. لذا سبک‌های تربیتی مختلف که پدر و مادر به کار می‌برند یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در گرایش‌های دینی محسوب می‌شوند (منادی، ۱۳۸۴).

با توجه به مباحث مطرح‌شده در حال حاضر عنایت به نقش نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا هر یک از نوجوانان امروز در آینده عناصر مؤثر خواهند بود و بر این مبنی که ارزش‌ها سرمنشأ نگرش هستند و نگرش موجب کنش می‌باشد، مشخص می‌شود که هر نوع تغییری در باورها و ارزش‌های نوجوانان امروز حاصل شود، انعکاس آن در جامعه آینده مشاهده خواهد شد. بنابراین با توجه به تأثیرپذیری بسیار زیاد نوجوانان از خانواده این مقاله درصدد بررسی است که به‌طور دقیق نقش خانواده را در درونی کردن ارزش‌های فرهنگی موردبررسی و تحلیل قرار دهد.

گلدمن^۳(۱۹۴۶)، گسترده‌ترین تحقیق را از جهت تنوع موضوعات دربارهی مراحل درک مفاهیم تفکر دینی انجام داده‌است. یافته‌های تحقیق گلدمن حاکی از این است که تحول مفاهیم دینی در کودکان و نوجوانان، از مراحل کلی و عمومی شناخت در انسان پیروی می‌کند و تحول در فهم مفاهیم دینی، تفاوتی با تحول در فهم دیگر مفاهیم ندارد. گلدمن با استفاده از نظری پیاز، معتقد است به‌موازات رشد همه‌جانبه و مفاهیم و آموزه‌های کودک و نوجوان از خانواده، محیط و اجتماع، رشد آموزه‌های دینی نیز در او شکل می‌گیرد. ویلسون^۴(۱۹۹۵)، در مطالعه‌ای با استفاده از مفهوم اولویت‌های تطبیق یافته، ادعا می‌کند که جامعه‌پذیری دینی، از طریق تمرین دین‌داری کودک در محیط خانواده ترجیحاتی برای انتخاب‌های بعدی او ایجاد خواهد کرد.

دادلی^۵(۱۹۷۸)، در مطالعه‌ای به این نتیجه می‌رسد که بیگانگی از باورهای دینی محافظه‌کارانه با ادراک نوجوان از روابط والد فرزند ارتباط دارد. به میزانی که نوجوانان، والدین خود را اقتدارگرا توصیف کنند و آن‌ها را متمایل به استفاده از تکنیک‌های انضباطی خشن‌تر از قبیل شرم‌انداختن کردن نوجوان، در مقابل دیگران یا کتک زدن بدانند، بیشتر از باورهای دینی فاصله می‌گیرند. مریم صیاد شیرازی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۸۷)، خود با عنوان «رابطه بین سبک‌های تربیتی والدین و شکل‌گیری نوع هویت دینی نوجوانان» پرداخته. نتایج به‌دست‌آمده نشان داده است که در تشکیل هویت دینی منع شده با ابعاد محیطی کنترل آزادی، گرمی سردی رابطه منفی معناداری وجود دارد. در هویت دینی دیررس با ابعاد محیطی - گرمی سردی رابطه منفی معناداری وجود دارد. در هویت دینی موفق با ابعاد محیطی کنترل آزادی و گرمی سردی ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. در هویت دینی کلیشه‌ای با ابعاد محیطی کنترل آزادی ارتباط مثبت معنادار وجود دارد.

رامین حبیب زاده (۱۳۸۴)، پژوهشی تحت عنوان بررسی «انواع دین‌داری در بین دانش‌آموزان و نقش والدین در آن» در شهر تهران، برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس انجام داده است. مقاله منصوره السادات صادقی (۱۳۸۶)، با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین نگارش» پرداخته است. نتایج بررسی داده‌ها در پاسخ به سؤال اول پژوهش که آیا روش تربیتی والدین با میزان مذهبی بودن آنان رابطه‌ای دارد، نشان داد که سبک‌های تربیتی اعمال‌شده از سوی والدین با میزان مذهبی بودن والدین، رابطه‌ای معنادار دارند؛ به‌عبارت‌دیگر، در پاسخ‌دهندگانی که سبک تربیتی والدین را مقتدرانه ارزیابی کرده بودند، نمرات مذهبی بودن والدین نیز بالاتر بود که البته تنها تفاوت معنادار در گروه مادران مشاهده شد. در منظومه فکری مقام رهبری مراحل پنچگانه «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن اسلامی» به عنوان اهداف اسلامی می‌باشند، و هدف غایی انقلاب، رسیدن به تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است، و بخش اصلی و نرم افزاری این تمدن را سبک زندگی تشکیل می‌دهد، به گونه ای که تمدن اسلامی بدون آن اصلا شکل

نمی گیرد. با توجه به این مهم، پرسش اصلی این است، الزامات و بایسته های سبک زندگی اسلامی در تحقق فرآیند تمدن نوین اسلامی بر مبنای دیدگاه آیت الله خامنه ای چیست؟ نتایج تحقیق نشان می دهد، که بر اساس دیدگاه ایشان مولفه هایی همانند: برجسته کردن معنویت و اخلاق، فتح قله های علم و دانش، دستیابی به اقتصاد قوی، توسعه عدالت و طهارت اقتصادی، مهمترین الزامات و بایسته های سبک زندگی برای وصول به تمدن نوین اسلامی هستند. این تحقیق با رویکردی هنجاری و با روش تحلیلی انجام شده و داده های آن به شیوه کتابخانه ای و مراجعه به بیانات معظم له گردآوری شده است. سبک در لغت به معنای شیوه و روش، و زندگی به معنای زیستن میباشد. و در اصطلاح سبک زندگی یعنی شیوه نسبتاً ثابت، که فرد اهداف کوچک و بزرگ زندگی روزمره خویش را بدان روش دنبال می کند. سبک زندگی اسلامی، یعنی تطبیق بینش، کردار و رفتار با مبانی قرآنی و اسلامی، که در عرصه های متعدد، اعم از غذا، لباس، مسکن، تفریح، وسائل زندگی و... آشکار و نمایان میشود کاپیانی، ۱۳۹۳، ۱۲). از دیدگاه مقام معظم رهبری سبک زندگی در حقیقت همان «عقل معاش» است، که در روایات از آن سخن به میان آمده است. (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). ایشان دو سبک کلی برای زندگی تعریف کرده اند: سبک زندگی غیر توحیدی، که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است، و مفاهیم مصرف گرایی، لذت - گرایی و عرفی بودن دین حاکم است، و سبک زندگی توحیدی که در آن دستورات الهی در صدر است، و سیاست، فرهنگ، و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می پذیرد (همان).

مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام اسلامی مراحل پنجگانه «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن اسلامی» را به عنوان اهداف اسلامی مطرح کردند بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲). و در حضور اساتید، طلاب و فضایی حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه نقطه غایی اهداف اسلامی را برپایی و وصول به تمدن نوین اسلامی اعلام کردند (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۹ / ۰۷ / ۱۴).

۹. اهمیت جوانی در اسلام

دین مبین اسلام که داعیه ی انسان سازی و شکوفا گری همه ی ظرفیت ها و استعداد های بشری را دارد، جوانی را برترین و شایسته ترین مرحله ی زندگی می داند و بر نقش محوری آن در سازندگی انسان تأکید می کند. با نگاهی گذرا به احادیث امامان معصوم (ع) با حقیقت جوان و اهمیت دوره ی جوانی بیشتر آشنا خواهیم شد.

حدیث اول

«شیئان لا يعرف فضلها الا من فقدهما الشباب و العافیه» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵).

«دو چیز است که اهمیت آن ها جز با از دست دادن نشان شناخته نمی شود: اول جوانی و دوم عافیت.»

قرآن مجید با توجه به زندگی مادی و جهان طبیعت خطاب به انسان می گوید: «و لا تنس نصیبک من الدنیا» (غررالحکم، ص ۳۲۴) «و بهره ی خود را از این دنیا و جهان مادی فراموش نکن.» امام علی در تفسیر این آیه می فرماید: «لا تنس صحتک و قوتک و فراغک و شایک و نشاطک آن تطلب بها الآخرة» (سوره قصص، آیه ی ۷۷). «تندرستی و نیرو و آسایش و جوانی و شادابی خود را فراموش نکن و باین سرمایه های گرانبها آخرت خود را تأمین کن.»

حدیث دوم

قال رسول الله (ص): «فضل الشاب العابد الذی یعبد فی صباه علی الشیخ الذی یعبد بعد ما کبرت سنه کفضل المرسلین علی سائر الناس» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۹). «جوان پارسائی که از نوجوانی خدا را بندگی می کند برتر از پیری است که در کهنسالی به عبادت می پردازد همچنان که پیامبران بر دیگر مردم برتری دارند.» بر اهل بصیرت روشن است که آن چه در باب اهمیت جوانی مطرح است، تنها سپری کردن روزگار نوزادی و نوجوانی و رسیدن به مرحله ای جدید که همه ی انسان ها به طور طبیعی در دوران عمر، آن را پشت سر می گذارند، نیست؛ بلکه منظور آن است که در این برهه از زمان که تمامی قوا و استعداد های آدمی به حد کمال خود می رسد، انسان در مسیر صحیح و در جهت کمال و کسب فضیلت و دانش حرکت کند و از این فرصت ارزشمند و تکرار

ناشدنی بهره‌ی کافی ببرد چرا که در غیر این صورت اگر جوانی انسان در مسیر شهوات و نفسانیات باشد، ارزشی ندارد و چه بسا خذلان و خسران همیشگی را به دنبال داشته باشد.

۱۰. سنین جوانی و انحرافات

اگر بپذیریم که هویت‌سازی، سبک و سنگین کردن اعمال، آزمایش نقش‌ها، نشان دادن تمایز از بزرگسالان و سرانجام نادیده گرفتن برخی قواعد، از ویژگی‌های سنین جوانی است، باید پذیرفت که برخی انحرافات، نمونه‌ی نوعی این سن و قابل انتظار هستند. پدیده اعمال انحرافی و جنایی جوانان، نشانگر یکی از تناقضات جامعه‌ی توسعه‌یافته و متمایز مدرن است. مجازات‌هایی که برای اعمال انحرافی سنگین در نظر گرفته می‌شوند، از محیط اجتماعی ارتکاب جرم جدا و در سطحی انتزاعی، یعنی در سطح کل جامعه، ارزیابی می‌شوند. بدین ترتیب این فرصت از میان می‌رود که اعمال انحرافی در همان چارچوب اجتماعی واکاوی شوند که عمل انحرافی انجام گرفته است. در جامعه‌ی مدرن توسعه‌یافته و متمایز، رفتار انحرافی مانند کلیه رفتارهای اجتماعی به سمت نوعی بی‌نام و نشانی گرایش دارد. از آنجا که حرکت در جامعه‌ای که از بالا تا پایین متمرکز و سازمان‌یافته است، برای آزمایش کردن جوانان بسیار محدود است، به این دلیل و به دلایل بالا ما شاهد پیدایش و گسترش خرده فرهنگ‌های مستقل جوانان هستیم. از میان اشکال مختلف رفتار انحرافی جوانان، می‌توان به مهمترین آنها اشاره کرد: استفاده از الکل، استعمال مواد مخدر، صدمه زدن به اموال دیگران و به کارگیری خشونت. با توجه به محل ارتکاب جرم، میزان خسارات و تأثیر جرم، ما با سطوح گوناگون اعمال انحرافی روبه‌رو هستیم. طیف این جرائم با توجه به دیدگاه‌ها درباره‌ی خرده فرهنگ جوانان متفاوت است. این خرده فرهنگ‌ها، از خرده فرهنگ‌های افراطی گرفته تا گروه‌های در جست‌وجوی فرهنگ جایگزین، از جوانان فراری تا ولگردها، را در بر می‌گیرد (برنهارد، ۱۳۸۳: ۲۲۵-۲۲۶).

۱۱. جوانان و جست و جوی هویت

دوره‌ی جوانی زمانی است که انسان با انرژی، با حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت‌پذیری فردی به دنبال کسب هویت است. جوانان باید نقطه‌ی اتکایی برای پیوند با خود، با جنس مقابل و با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محیط اطراف بیابند. انسان در جامعه‌ی معاصر در وضعیتی قرار دارد که فیلسوف و جامعه‌شناس، هلموت پلسنر آن را با عبارت زیر تشریح کرده است: ((وضعیت عرف شکن)). انسان باید ((جایگاهی)) را در جامعه اشغال کند، در ضمن باید از این توانایی برخوردار باشد که در برابر گرایش‌های خود بایستد. فرد در جامعه‌ی معاصر مجبور است، بین ((هویت-من)) شخص و ((ویژگی نقشی)) که جامعه به او می‌دهد، تعادل ایجاد کند. به گفته‌ی پلسنر همین شرایط به فرد امکان می‌دهد که با دیدی انتقادی و از فاصله به خود نگاه کند. فرایند ((من‌سازی)) از یک سو با روند سازگاری مستمر فرد با محیط عینی و ذهنی فرهنگی و اجتماعی و از سوی دیگر با توانایی و امکان بازگشت به خود همراه است. این روند باید با هدایت و راهنمایی همراه باشد، اما باید توجه داشت که هدایت جوانان با راهنمایی کودکان تفاوت دارد. جوان باید در فرایند جامعه‌پذیری صلاحیت و آمادگی‌گزینش و رد و تصاحب و خویشاوندان جوانان در حل بسیاری از مسائل تنها هستند. جوانان تنها هستند، چون مشکلات ویژه‌ی خودشان را دارند. شماری از این مشکلات متعلق به تمامی جوانان هستند، امام گاهی دشواری‌ها ناشی از زندگی در چارچوب فرهنگ و جامعه‌ی خاص است، مانند مشکلاتی که جوانان غربی در عرصه‌ی چنین جامعه‌ی ای دارند. گاهی نیز جوانان تنها هستند، چون بسیاری از بزرگسالان گوش شنوا را از دست داده‌اند. جوان برای کسب آمادگی سازگاری با محیط از نظر زیستی- انسان‌شناسی باید برای وقایعی که در اطراف او در جریان هستند، حساسیت خارق‌العاده داشته باشد. این وقایع می‌توانند در پیوند با اشخاص، اشیاء، فرهنگ، سنت، گروه‌ها، نهادها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های رفتاری اطرافیان او باشند. در مرحله‌ی هویت‌سازی ما شاهد نگرش‌ها و شیوه‌های رفتاری متضاد در بین جوانان هستیم: جوانی درونگر است و همزمان همان جوان بیرونگر است، منقد به محیط ازراف و منتقد به خود است، جوان ساده است، در برابر رفتار دیگران به ویژه همسالان حساس است، در عین حال نسبت به محیط اطراف بی‌تفاوت است، خجالتی و در همان حال پرخاشگر است، غرق در

رؤیاهاست، در همان حال نسبت به دنیای اطراف حساس و آماده پذیرش است. ما باین حالات دوگانه جوانان از زمان زیگموند فروید آشنا هستیم. هر گرایش آنها همراه با اندکی بی میلی است و بر عکس در هر عدم تمایل، اندکی گرایش نهفته است. روان شناسان و پزشکان روان درمان اندکی دوگانگی در رفتار جوانان را به عنوان امری پذیرفته می دانند. نگرش و شیوه رفتار به مظاهر متضاد، جهت گیری به سمت خود و جهت گیری به سمت گروه، خودشیفتگی و همبستگی در یک جوان واحد دیده می شوند. برخی از علل دوگانگی در رفتار جوانان ناشی از عوامل زیر هستند. جوان هنوز دارای صول تغییر ناپذیر نیست، او یکپارچگی اندیشه و سرمشق نمونه ندارد. او فرصت طلبی و سازگاری بزرگسالان را نمی پذیرد (برنهارد، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۸).

۱۲. تمایلات و انگیزه های دوران جوانی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در جمع جوانان به چند نمونه از این تمایلات و انگیزه ها اشاره فرمودند:

۱۳. به رسمیت شناخته شدن

«جوان در دوره جوانی به خصوص در آغاز جوانی تمایلات و انگیزه هایی دارد؛ چون در حال تکوین هویت جدید خود است، مایل است شخصیت جدید او به رسمیت شناخته بشود که غالباً این اتفاق نمی افتد و پدر و مادرها جوان را در هویت و شخصیت جدید او گویا به رسمیت نمی شناسند».

۱۴. احساس تنهایی و غربت

«جوان احساسات و انگیزه هایی دارد. رشد جسمانی و روحی دارد، به دنیای تازه ای قدم گذاشته است که غالباً دوروبریها، خانواده، کسان، افراد در جامعه، از این دنیای جدید بی خبر و بی اطلاع می مانند یا به آن بی اعتنایی می کنند. لذا جوان احساس تنهایی و غربت می کند. مایلم این چیزها را بزرگ ترها بشنوند و مورد توجه قرار بدهند و دوره جوانی خودشان را بیاد بیاورند».

۱۵. مواجه شدن با مجهولات و احساس خلاء و ابهام

«جوان در دوره جوانی، چه اوایل بلوغ و چه بعدها با مجهولات زیادی رو به رو می شود: مسائل جدید برای او مطرح می شود که سؤال انگیز است. در ذهن او شبهه ها و استفهام هایی به وجود می آید که مایل است به این شبهه ها، سؤال ها و استفهام ها پاسخ داده بشود. که در بسیاری از موارد پاسخ بهنگام و دلنشین داده نمی شود، لذا جوان احساس خلاء و ابهام می کند».

۱۶. احساس بیهودگی ناشی از عدم بهره برداری از توانایی ها

جوان احساس می کند در وجود او انرژی های متراکمی وجود دارد؛ توانایی هایی را در خود احساس می کند هم از لحاظ جسمانی و هم از لحاظ فکری و ذهنی. حقیقتاً هم توانایی هایی که در جوان هست می تواند معجزه کند، می تواند کوه ها را جابجا کند اما جوان احساس می کند که از این نیروها و از این انرژی متراکم و از این توانایی های او بهره برداری نمی شود، لذا احساس بیهودگی و اهمال می کند.

۱۷. احساس بی پناهی ناشی از عدم راهنمایی والدین

«جوان برای اولین بار با دنیای بزرگی در دوران جوانی مواجه می شود که این دنیا را تجربه نکرده و از دنیا چیزهای زیادی نمی داند. بسیاری از حوادث زندگی برای او پیش می آید که تکلیف خودش را در مقابل آنها نمی داند. احساس می کند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارد. و از آنجا که پدر و مادرها غالباً اشتغال دارند، به جوان نمی رسند و این کمک فکری به او داده نمی شود. جوان احساس بی پناهی می کند. این احساسات در جوان ما به طور غالب وجود دارد. از این طرف احساس تنهایی و بی پناهی و از یک طرف احساس توانایی های فراوان و احساس این که این توانایی ها استفاده نمی شود.» (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۲۸-۳۰).

۱۸. نتیجه گیری

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۲ مهر ماه ۱۳۹۷ در همایش ده ها هزار نفری ((خدمت بسیجیان)) در ورزشگاه آزادی درباره جوانان فرمودند: آنچه برای شما جوان ها مهم است که به آن توجه کنید، این است که نوک پیکان این حرکت عظیم ملی، شما

جوان ها هستید! شما هستید که راه را باز می کنید ... موتور پیش برنده این قطعه شما جوان ها هستید. ایشان در ادامه بیانان نشان خاطر نشان کردند: ما در این حدود ۴۰ سال جهادهای متعددی داشته ایم، در همه این جهادها جوان ها جلو بوده اند، جوان ها راهگشا بوده اند، جوان ها نوک پیکان بوده اند، در جهاد با طاغوت در دوره پیش از پیروزی دوره مبارزات در جهاد به تجزیه طلبی در آغاز پیروزی انقلاب که در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور تجزیه طلبانی پیدا شدند، در جهاد با این تجزیه طلبی، جلو دار این حرکت عظیم جوان ها بودند. بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه مشهوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و ایران عزیز برای رسیدن به هدف‌های بزرگی که به برکت انقلاب اسلامی در برابر او ترسیم شد، چشم به تلاش جوانان در عرصه علم و معرفت دوخته است، و بدون آن، فروغ خودباوری و استقلال ملی که همواره راهگشای ملت و دولت ما در گذرگاه‌های دشوار بوده است، به ضعف خواهد گرائید. باید به جوانان اعتماد ویژه‌ای داشت و جوانان هم خود را برای نقش آفرینی و انجام وظیفه در کشور آماده کنند. هر کشور، نظام و ملتی برای حفظ استقلال و آزادی و ادامه حیات و دستیابی به هدف های خود، علاوه بر برخورداری از عزمی راسخ، اراده ای پولادین و تلاشی خستگی ناپذیر، به راهکار و نقشه راهی جامع نیاز دارد؛ اما داشتن این همه، وقتی اثربخش است که آن نقشه را هر لحظه مقابل دیدگان خود داشته باشند و هر اقدام و حرکت آن را با محک آن بسنجند و پیش روند. بیانیه گام دوم انقلاب، همان تدبیر حکیمانه و نقشه ارزشمندی است که دولت، نظام و ملت انقلابی ایران اسلامی به آن نیاز دارند و لازم است بنبند آن بارها مرور، تدبیر و نهادین‌سازی شود. در یک بند از این بیانیه، جوانان، بدون نیاز به هیچ گونه تفسیر و تعبیری، محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی شده اند و این یعنی، تعیین مسئولیت. آنجا که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) می فرماید: «اما راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخار آمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید نشانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرند. نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفت اسلامی بسازند» (نشریه دیواری گلبرگ فرهنگی، ۱۳۹۸: ش ۱۳۵). دین، به‌عنوان یکی از عوامل مهم انسجام بخش جوامع، نیازمند آن است که در هر دوره توسط نسل‌های پیشین به نسل‌های بعد منتقل شود و با توجه به نیازهای روز جامعه، تعالیم آن به‌روز و به شیوه‌های مورد فهم و پسند نسل جدید، به آنان ارائه گردد. به نظر می‌رسد در میان نوجوانان جامعه‌ی معاصر ایران، التزام و پایبندی و اهتمام و کوشش برای فراگیری آموزه‌های دینی ضعیف شده است و با توجه به اینکه جامعه‌پذیری دینی، با سازوکارهای جامعه‌پذیری و عموماً توسط همان عوامل صورت می‌گیرد، باید به مطالعه‌ی این مسئله همت گماشت که چه موانعی بر سر راه این انتقال وجود دارد و چه راهکارهای علمی و کاربردی برای تسهیل روند انتقال بیننسلی فرهنگ دینی در میان نوجوانان جامعه‌ی معاصر ایران وجود دارد. با توجه به اهمیت نقش خانواده در سنین کودکی و نوجوانی، به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار و عامل جامعه‌پذیری برای انتقال فرهنگ دینی بسیار راهگشا می‌باشد. در این زمینه شناسایی و راهکارها و پیشنهادهایی در زمینه‌ی انتقال صحیح فرهنگ دینی با توجه به دستاوردهای علمی پژوهش ارائه می‌شود:

✓ از آنجایی که کشورهای سلطه‌طلب در تلاش‌اند فرهنگ خود را به‌عنوان فرهنگ غالب و برتر بر کشورهای دیگر تحمیل کند، کشور ما باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ و با غنی کردن خود از لحاظ فرهنگی یعنی ایجاد امکان شکوفایی برای قابلیت‌های فرهنگ سنتی خود و از طریق یک فرآیند فرهنگ‌سازی در تلفیق آن سنت‌ها با یکدیگر در نتیجه به اقتدار فرهنگی دست پیدا کند.

- ✓ تقویت و تغییر برنامه های دینی در رسانه ها با به کارگیری فناوری های نو و نیز بیان دلایل والهی قوی و منطقی در زمینه ی احکام و مسائل دینی.
- ✓ ارتقاء آگاهی ها و مهارت های تربیتی والدین از طریق برگزاری دوره های آموزش خانواده و توجه آنان به شرایط و احساسات جوانان می تواند عاملی مهم در کاهش شکاف ها و گسست های نسلی در زمینه ی دین باشد. امروزه یکی از مشکلات بین نسل ها عدم درک متقابل نسبت به نیازها، آرزوها، شرایط و محدودیت های یکدیگر است. این مشکل عمدتاً در خانواده و بین پدران و مادران در رابطه با فرزندانشان رخ می نماید. پدران و مادران غالباً شرایط و احساسات دوران نوجوانی و جوانی خود را فراموش می کنند و فرزندان هم که در آغاز راه زندگی قرار دارند، بدون توجه به امکانات و محدودیت های والدین، انتظارات و مطالبات خود را می طلبند. در این میان فقدان زبان مشترک و تفاوت های علمی و مهارتی فی مابین مشکل را افزون می کند؛ لذا تقویت مهارت های تربیتی والدین و ارتقاء آگاهی های والدین و فرزندان از طرق مختلف، به ویژه ارائه آموزش های خانواده می تواند در کاهش شکاف نسلی در زمینه ی مسائل دینی بسیار مثر ثمر باشد.

منابع

قرآن کریم

- امینی، ابراهیم، ۱۳۹۰، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انجمن اولیاء و مربیان. اعزازی، شهلا، ۱۳۸۹، جامعه شناسی خانواده، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- بوردیو، پیر، ۱۳۸۰، نظریه کنش، ترجمه ی سید مرتضی مردی ها، تهران، انتشارات نقش نگار. ۳. بکفورد، جیمز، ۱۳۸۸، دین و جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه فاطمه گلابی، تهران، کویر.
- حیدری، محمد شریف، ۱۳۹۲، جامعه پذیری دینی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ادبیات.
- حسینی، طیبیه، ۱۳۹۵، مطالعه جامعه شناسی انتقال بین نسلی فرهنگ دینی از طریق خانواده در جامعه معاصر ایران (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج سال تحصیلی ۹۵-۹۴)، پایان نامه مقطع دکتری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- حیدری، محمد شریف، ۱۳۹۲، جامعه پذیری دینی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ادبیات. خمینی، روحالله، صحیفه نور، ج ۱ و ج ۷ و ج ۵.
- رائی، علی، ۱۳۹۱، بررسی تأثیرات شبکه های ماهواره های بر جوانان ایران، تهران، ایجد. ساروجانی، باقر، ۱۳۸۸، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش.
- شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان دو مطالعه موردی شهر تهران، نشریه نامه ی علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۳۸۲، ۱۴-۱۳۳.
- طالبان، محمدرضا، تبیین اعمال مذهبی: مدل نظری و آزمون تجربی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۲، شماره ۳، ۱۳۹۰. طالبان، محمدرضا، ۱۳۸۰، پیمایش دین داری در ایران، تهران، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- طالبی، هاجر، ۱۳۹۵، بررسی نقش انتقال فرهنگ دینی و ملی با نوع و میزان اثر ماهواره، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

Hipya.J.; Rooksby.E eds, (2001). *Habitus: A sense of place*; USA: Ashgate Publishing,

Kawachi, I, Kennedy, B,P. Lochner, K, (1997). Social capital, income inequality, and mortality. *American journal of public health*, 87 (9), 1491 – 1498.

Keyes ,C. M (2002). *The Mental Health Continuum : From languishing to flourishing in life* . *Journal of Health and Social Research* .43 . 2017 - 222

Keyes , C.M (2005). Mental Health and / or Mental Illness? Investigation Axioms of the Complete State Model of Health. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 73.539 – 548.

Keyes, C.M, & Ryff, C.D (2000). Subjective change and mental health : a self-concept theory *Social psychology Quarterly*. 63.264 - 279.

Keyes , C.L.M, and Magyar - Moe , L. (2003). The Measurement and Utility of Adult Subjective Well Being . In Lopez , S. J. and Snyder, C.R. *Positive Psychological Assessment : A Handbook of Models and Measures* (pp.411 - 425). Washington, DC: American Psychological Association.

Keyes, C.M& Shapiro , A. (2004), *Social Well-being in the U.S: A Descriptive Epidemiology* 'In orvill Brim , Carol D.